



شماره ثبت: ۲۶۰۴

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	قمار.....
۲	مرور گذشته
۲	روایت سوم:.....
۳	روایت چهارم:.....
۳	جمع بندی.....
۳	طایفه‌ی چهارم.....
۳	روایت تحف العقول.....
۴	بررسی روایت از لحاظ سند.....
۴	جمع‌بندی.....
۴	مقام دوم
۵	اقوال در مقام دوم.....
۵	ادله‌ی بیان حرمت مقام دوم.....
۵	اشکال ادله.....
۶	جمع‌بندی.....



قمار

مرور گذشته

بحث ما در مورد قمار بود. ادله حرمت و بطلان قمار را عرض کردیم. آیات و روایاتی را در این مورد بررسی کردیم. حدود ۶۰ روایت در باب میسر و قمار وجود دارد. این روایات به ۴ طایفه تقسیم می‌شوند:

۱. روایاتی که دلالت بر مرجوحیت قمار می‌کردند.

۲. روایاتی که دلالت بر حرمت تکلیفی می‌کردند. از این روایات نتیجه می‌گرفتیم که مرجوحیت طایفه اولی یک مرجوحیت جامع است که شامل کراهت و حرمت می‌شود. در نتیجه این دو طایفه با هم تعارضی نداشتند.

۳. روایاتی که مفید بطلان قمار هستند. در نتیجه حرمت تصرف مالی که از قمار به دست می‌آید را بیان می‌کند.

حرمت وضعی و بطلان از آیات نیز استفاده می‌شود. در این مورد دو روایت را عرض کردیم. روایات دیگری را نیز بیان می‌کنیم.

روایت سوم:

روایت هفتم این باب است.

«وَعَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ النَّهْدِيِّ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع الصَّبِيَّانُ يَلْعَبُونَ بِالْجُوزِ وَالْبَيْضِ وَيَقَامِرُونَ فَقَالَ لَا تَأْكُلْ مِنْهُ فَإِنَّهُ حَرَامٌ.»^۱

این روایت در مورد خود قمار نیست بلکه به دیگرانی که می‌خواهند از این مال استفاده کنند، دستور ترک می‌دهد.

در این روایت کاری به حرمت فعل ندارد. در اینجا سائل از بازی نمی‌پرسد بلکه مالی که از آن به دست می‌آورد را مطرح کرده است؟ حضرت می‌فرماید: این مال درست نیست.

این روایت دلالت بر حرمت وضعی و بطلان معامله می‌کند.



شماره ثبت: ۲۶۰۴

روایت چهارم:

این حدیث، روایت چهاردهم همین باب است.

« أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى فِي تَوَادِرِهِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ^۱ - قَالَ ذَلِكَ الْقِمَارُ.^۲ »

جمع بندی

هر سه طایفه، روایات و ادله‌ی معتبری داشتند.

طایفه‌ی چهارم

طایفه چهارم، حاوی هر دو حکم وضعی و تکلیفی است. در این طایفه‌ی چهارم روایاتی وجود دارد. یکی از این روایات، روایت تحف العقول است که در بحث‌های سابق بحث‌های زیادی در آن کرده‌ایم.

روایت تحف العقول

« وَ ذَلِكَ إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ الصَّنَاعَةَ الَّتِي هِيَ حَرَامٌ كُلُّهَا الَّتِي يَجِيءُ مِنْهَا الْفَسَادُ مَحْضًا نَظِيرَ الْبَرَابِطِ وَ الْمَزَامِيرِ وَ الشُّطْرُنَجِ وَ كُلِّ مَلْهُوٍّ بِهِ وَ الصُّلْبَانِ وَ الْأَصْنَامِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ مِنْ صِنَاعَاتِ الْأَشْرِبَةِ الْحَرَامِ وَ مَا يَكُونُ مِنْهُ وَ فِيهِ الْفَسَادُ مَحْضًا وَ لَا يَكُونُ مِنْهُ وَ لَا فِيهِ شَيْءٌ مِنْ وُجُوهِ الصَّلَاحِ فَحَرَامٌ تَعْلِيمُهُ وَ تَعَلُّمُهُ وَ الْعَمَلُ بِهِ وَ اخْذُ الْأَجْرِ عَلَيْهِ وَ جَمِيعُ التَّقَلُّبِ فِيهِ مِنْ جَمِيعِ وُجُوهِ الْحَرَكَاتِ كُلِّهَا^۳ »

۱سوره بقره، آیه ۱۸۸

۲وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۶۸

۳وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۸۵



شماره ثبت: ۲۶۰۴

در این حدیث قواعد کلی را بیان می‌کند. در این روایت مثال‌های صریحی می‌زند. مثلاً می‌فرمایند اخذ اجرت از قمار حرام است. قاعده کلی این است که اموری که جهت محله‌ای در آن‌ها نیست و بلکه فساد و تباهی دارند، هر نوع تصرفی در این‌ها جایز نیست. این روایت تحف العقول هم حرمت تصرف را بیان می‌کند، همچنین مالی را که از این اعمال به دست می‌آید را حرام می‌داند و در نتیجه معامله نیز باطل است.

بررسی روایت از لحاظ سند

قبلاً مفصلاً در مورد سند این روایت بحث کردیم. همان‌طور که بیان کردیم، کتاب تحف العقول، مقطوع السند است. از این جهت به روایات آن، اعتمادی نیست. در این کتاب، روایات پر مضمونی است ولی اکثراً سند ندارد. البته بیش از نصف این مضامین در روایات معتبر دیگر آمده است. اما این روایت در جاهای دیگر به صورت مکرر نیامده است. تنها راه سندی این بود که شهرت فتوایی بود که در این مورد بحث‌های فراوانی کردیم. ما فی الجملة قاعده را قبول داریم ولی در اینجا نیز قائل به تفصیل هستیم.

جمع‌بندی

تاکنون نتیجه‌ای که از آیات و روایات می‌گیریم این است که حکم وضعی و تکلیفی قمار، در روایات و آیات آمده است. اصل دو حکم، با هم تعارض و تنافی ندارند. هر دو قابل جمع هستند. طایفه اول که مرجوحیت را می‌رساند به قرینه‌ی طایفه‌ی دوم، مرجوحیت جامع را مطرح می‌کرد. در نتیجه بین دو طایفه اول و دوم نیز تعارضی وجود نداشت.

با بررسی این بحث‌ها، مقام اول تمام شد. یعنی حکم وضعی و تکلیفی قمار در قدر متیقن آن ثابت است. قدر متیقن قمار در جایی است که آلات و بردو باخت هر دو با هم باشند.

مقام دوم

مقام دوم این است که بازی با بردو باخت و آلات با هم جمع نمی‌شوند. بازی با آلات در اینجا وجود دارد ولی با بردو باخت نیست. مثلاً با آلاتی مثل شطرنج، بازی می‌شود ولی بنا بر بردو باخت ندارند.

در این مقام، دو نظریه وجود دارد. نظر اول حرمت است. نظر دوم عدم حرمت است.



شماره ثبت: ۲۶۰۴

در اینجا موضوع حکم وضعی مصداق ندارد. حکم وضعی در جایی است که قمار حالت معامله‌ای پیدا کند و با آن مالی جابه‌جا می‌شد. در صورتی که مالی جابه‌جا نمی‌شود، قطعاً تصرفی نیز وجود ندارد و معامله‌ای وجود ندارد. در نتیجه اینجا حکم وضعی وجود ندارد و فقط باید حکم تکلیفی را بررسی کنیم. در اینجا بردوباخت اعتباری است و بردوباخت مالی وجود ندارد.

اقوال در مقام دوم

در اینجا سؤالی وجود دارد که آیا صرف بازی بدون بردوباخت، دارای حکم تکلیفی است؟

در این بحث دو قول وجود دارد:

۱. حرمت تکلیفی

۲. جواز

اکثر قداما، قائل به حرمت هستند. این بازی حرام است حتی اگر بردوباختی در آن نباشد.

البته کسانی در بین معاصرین، مثل آیت‌الله مکارم قائل به جواز هستند.

در عامه نیز این اختلاف وجود دارد. در نتیجه در این مقام اختلاف زیادی وجود دارد.

ادله‌ی بیان حرمت مقام دوم

ادله‌ای که برای حرمت بیان کرده‌اند را بررسی می‌کنیم.

یک دسته از روایات تعبیر قمار دارند. ممکن است کسی تمسک به این روایات بکند. همچنین قمار در بعضی کتب لغت، بازی با آلات قمار، معنا شده است. در قرآن ما واژه‌ی قمار نداریم. اما در روایات واژه‌ی قمار آمده است.

اشکال ادله

۱. واژه‌ی قمار دو نوع تفسیر شده است، اما در بسیاری از کتب لغت، راهنه و بردوباخت آمده است. فصل ممیز این بازی، بردوباخت مال است. قول اقل، نمی‌تواند در مقابل قول اکثر، مقاومت کند. در نتیجه مقصود از قمار همان همراه راهنه است.



شماره ثبت: ۲۶۰۴

۲. حتی اگر معنای اول را مدنظر داشته باشیم یعنی بگوییم که منظور از قمار، بازی با آلات است و ارتباطی به راهنه ندارد، باید بگوییم باید قائل به دو معنا بشویم. معنای اقل و اکثر را برای قمار، قائل می‌شویم. در این صورت، حمل بر معنی اول، قرینه می‌خواهد که در روایات وجود ندارد.

۳. ممکن است کسی بگوید بین دو معنا، جمع می‌کنیم. یک عده معنا را با راهنه بیان کرده‌اند و یک عده به آلات معده تأکید کرده‌اند. می‌توانیم به این شکل تفسیر کنیم که قمار دو قید دارد یکی رهان و دیگری آلات معده است.

جمع‌بندی

هر کدام از سه قول را فرض بگیریم، نمی‌توانیم بگوییم قمار با آلات معده بدون برد و باخت مطرح است.